

اولویت‌های جغرافیایی – عقیدتی در سیاست خارجی دولت نهم

وحید نوری*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۱۳

تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۷/۲۶

چکیده: یکی از تغییرات عمده‌ای که در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت نهم در مقایسه با دولت‌های سازندگی و اصلاحات مطرح می‌شود، تجدیدنظر آن در روابط با کشورهای غربی از یک سو و گرایش به دیگر مناطق جغرافیایی نظیر آمریکای لاتین، کشورهای شرقی در قاره آسیا و کشورهای آفریقایی می‌باشد. روابط جدید با کشورهای مزبور در قالب‌های دوجانبه و چندجانبه پیگیری شده است. در این مقاله تلاش می‌شود با بهره‌گیری از هنجارهای «عدالت‌طلبی» و «سلطه‌ستیزی» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گسترش روابط با حوزه‌های جغرافیایی مزبور مورد واکاوی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: دولت نهم، عدالت‌طلبی، سلطه‌ستیزی، سیاست خارجی.

* دانش‌آموخته رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع) و دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدمه

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از بدو پیروزی انقلاب اسلامی با رفتارهای بدیعی در عرصه روابط بین‌الملل حاضر شد که با منطق رایج رفتاری، بسیار متفاوت بود. لذا بسیاری از تحلیلگران و ناظران روابط خارجی در تحلیل رفتار آن دچار ابهام شدند. با روی کار آمدن دولت نهم در سال ۱۳۸۴ دگر بار شاهد رفتارهای متفاوت و بدیعی هستیم که منطق رفتاری سال‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی را به ذهن متبادر می‌سازد. یکی از این جلوه‌های رفتاری در دولت نهم، سلب اولویت از غرب و گرایش به دیگر حوزه‌های جغرافیایی نظیر آمریکای لاتین، گرایش به شرق و بسط روابط با کشورهای آفریقایی بوده است.

حائز اهمیت آنکه، این اولویت‌بندی جدید از مناطق جغرافیایی، حاصل از سرایت دادن ارزشهای هنجاری به سیاست خارجی و برخلاف گرایش منفعت‌محور به غرب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. «عدالت‌طلبی» و «سلطه‌ستیزی» دو هنجاری هستند که جابجایی اولویت‌های جغرافیایی جهت بسط روابط خارجی را در دولت نهم فراهم آورده‌اند.

در کنار بسط روابط دوجانبه دولت نهم با بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، آفریقایی و آسیایی، چندجانبه‌گرایی نیز دیگر قالب رفتاری برای سیاست خارجی این دوره بوده است که شرکت فعالانه در جنبش عدم تعهد، سازمان شانگ‌های، سازمان کنفرانس اسلامی، اکو و... از نمونه‌های آن است.

۱- تجدیدنظر در روابط با غرب

در دوران دفاع مقدس با توجه به اولویت دفاع همه‌جانبه از کشور، تمام ابعاد سیاست خارجی متأثر از جنگ هشت ساله گردیده بود. لذا سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوران پس از جنگ در صدد عادی‌سازی روابط خود با دنیای خارج برآمد؛ در این راستا دولت‌های سازندگی و اصلاحات در دورانی شانزده ساله، در کنار توجه به سایر مناطق جغرافیایی، تمایل ویژه‌ای به کشورهای اروپایی و ایالات متحده از خود نشان دادند. پشتوانه تئوریک این دیدگاه با عنوان گرایش به غرب، آن بود که منبع اصلی قدرت در

سطح جهانی نزد غرب می‌باشد و جمهوری اسلامی با ایجاد روابط قاعده‌مند با غرب نه تنها می‌تواند بسیاری از مشکلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود را مرتفع سازد، بلکه مشکلات منطقه‌ای ایران در کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی نیز حل خواهد شد. علاوه بر این، وابستگی ایران به درآمدهای حاصل از بخش انرژی و در نتیجه تأثیرپذیری آن از سیاست‌های غرب در حوزه انرژی و همچنین تمایلات عامه مردم ایران به دستاوردهای علمی، فرهنگی و تکنولوژیک غرب دلایلی مضاعف برای عادی‌سازی روابط با غرب عنوان می‌شد (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۳۳-۳۷). در چارچوب این نگرش، دولت‌های مزبور رویکردهای تنش‌زدایی و اعتمادسازی با کشورهای اروپایی و ایالات متحده را در پیش گرفتند. برگزاری چندین دور گفتگوهای انتقادی و سازنده با کشورهای اروپایی و مذاکرات غیرمستقیم با ایالات متحده در این راستا قابل ارزیابی است.

دولت نهم سیاست خارجی خود را بر مبنای ارزیابی از تجربیات دولت‌های سازندگی و اصلاحات استوار ساخت. از منظر سیاستگذاران دولت نهم دولت‌های مزبور علی‌رغم همراهی فراوان با کشورهای غربی نتوانسته بودند نتایج چندانی حاصل نمایند.^۱ تنش‌زدایی و اعتمادسازی با اروپا در پی رأی دادگاه می‌کونوس در دولت هاشمی رفسنجانی و وقایع مرتبط با پرونده هسته‌ای در دولت خاتمی به رکود سابق بازگشت. طراحی سیاست مهار دوجانبه، اعمال تحریم داماتو، حمله به افغانستان و عراق و عنوان «محور شرارت» نیز پاسخهای دولت ایالات متحده به رویکردهای دولت‌های هاشمی رفسنجانی و خاتمی تفسیر می‌شد. در کنار این موارد، تجربیات منفی دو سال اعتمادسازی ایران در پرونده هسته‌ای که حاصل آن تعلیق تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری اورانیوم بود نیز به عنوان شاهدهی برای اثبات صحّت ارزیابی‌های دولت نهم مطرح می‌شد.^۲ لذا سیاستگذاران دولت نهم به این جمع‌بندی رسیدند که کشورهای غربی در صدد تنش‌زدایی و هم‌زیستی با ایران نیستند، بلکه در صدد به تسلیم واداشتن ایران می‌باشند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۴۳). لازم به ذکر است که در این دوره پرونده هسته‌ای و ضرورت احقاق حقوق ملی به اولویت نخست در سیاست خارجی دولت نهم

بدل گشته و تصویر بر ساخته شده از غرب در پرونده هسته‌ای، بر روابط دولت نهم با کشورهای اروپایی و امریکا در سایر حوزه‌ها نیز تأثیر گذاشت (نوری، ۱۳۸۹: ۱۳۳-۱۴۶). از منظر دولتمردان نهم، ریشه این رویکرد کشورهای اروپایی و ایالات متحده، اخلاق و منش سلطه‌جویانه آنان می‌باشد^۳ لذا تصمیم‌سازان دولت نهم از ابتدای کار «مبارزه با نظام تک‌قطبی و امپراتوری نظام سلطه جهانی»^۴ و «مقابله با ترفندهای نظام سلطه جهانی»^۵ را در دستور کار خود قرار دادند که در نتیجه آن بسط و یا حداقل حفظ سطح روابط با کشورهای اروپایی و امریکا نمی‌توانست با الزامات هنجاری سلطه‌ستیزی دولت نهم متناسب باشد. بنابراین بازتعریف و متوازن‌سازی روابط با غرب در دستور کار دولت نهم قرار گرفت. لازم به ذکر است که دولتمردان نهم این متوازن‌سازی را مقتضای رعایت عدالت می‌دانند:

«در عرصه سیاست خارجی عدالت حرف اول را می‌زند؛ دولت‌هایی که با ما دوست هستند، ما نیز با آنان دوستیم... مناسبات اقتصادی نمی‌تواند با مناسبات سیاسی بی‌ارتباط باشد. در حال حاضر، واردات ما از بعضی کشورها چند میلیارد دلار در سال است، در حالی که مشتری کالای ما نیستند و نفت نیز نمی‌خرند. همین کشورها که باید ممنون باشند که ما در رونق اقتصادی آنان سهم داریم، طلبکاری هم می‌کنند و در مسائل سیاسی با ما برخورد خصمانه دارند و حاضر نیستند حقوق مشروع ما را به رسمیت بشناسند و با بهانه‌های مختلف نظیر بهانه‌های حقوق بشری و اتهامات واهی تا آنجا پیش می‌روند که توقع دارند حتی در مسائل داخلی ما نیز دخالت کنند... همین‌ها در مجامع بین‌المللی هم به سمت محکومیت ما پیش قدم می‌شوند. این چه نوع توازنی است؟ این ظلم و بی‌عدالتی است»^۶.

همان‌گونه که دیده می‌شود در کنار «سلطه‌ستیزی»، دولت نهم از منظر «عدالت‌طلبی» اقدام به بازتعریف و متوازن‌سازی روابط خود با دنیای غرب می‌پردازد و به استنباط نگارنده، به تعریف «وضع کل شی فی موضعه» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) از عدالت در کلام امام علی (ع) نزدیک می‌شود. مقتضای عدالت‌طلبی در این نگاه، ایجاد تناسب، توازن و تعادل بخشی به روابط اقتصادی - سیاسی با کشورهای دیگر بر مبنای نوع روابط آنان با جمهوری اسلامی است.

الزامات هنجاری سلطه‌ستیزی و عدالت‌طلبی دولت نهم را بر آن داشت که مناطقی را برای توسعه روابط سیاسی و اقتصادی خود برگزیند که کشورهای آن در جهت مقابله با «سلطه جهانی» باشند و یا حداقل به دنبال سلطه‌گری نباشند. منوچهر متکی در این خصوص بر جهت‌گیری جدی سیاست خارجی ایران به سوی کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین تأکید نمود (احمدی‌نژاد ۱۳۸۵/۷/۱۳). سیاست نگاه به شرق، گرایش به آمریکای لاتین، توسعه روابط با کشورهای آفریقایی، توسعه روابط با جنبش عدم تعهد و شرکت فعالانه در سازمان‌های منطقه‌ای اکو، سازمان کنفرانس اسلامی، شانگ‌های و... از این منظر قابل تحلیل است. احمدی‌نژاد به صراحت علت بسط روابط دولت خود با بازیگران مزبور را دوری آنها از داعیه سلطه‌گری می‌داند (احمدی‌نژاد ۱۳۸۹/۱۱/۲۱). «روابط با کشورهای همسایه، کشورهای آفریقایی، امریکای جنوبی، کشورهای دوست و کشورهایی که داعیه سلطه‌گری ندارند، در اولویت سیاست خارجی ماست» (احمدی‌نژاد ۱۳۸۶/۱۱/۲۱). در ادامه به بررسی اجمالی روابط جمهوری اسلامی با دیگر حوزه‌های جغرافیایی در قالب تعاملات دوجانبه و چندجانبه پرداخته می‌شود.

۲- مناطق راهبردی بدیل

۲-۱- گرایش به آمریکای لاتین

گسترش مناسبات جمهوری اسلامی ایران با برخی دولت‌های آمریکای لاتین و انعقاد تفاهم‌نامه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... یکی از جلوه‌های بارز تجدیدنظر دولت نهم در روابط خود با غرب است. منطقه آمریکای لاتین، متشکل از ۳۴ کشور است که عمده آنها تجربیات مشترکی از استعمار، دیکتاتوری و تنگنای حاصل از فضای دوقطبی جنگ سرد دارند. این کشورها در سه قرن گذشته از یک سو استعمار اسپانیا، پرتغال و ایالات متحده را تجربه کرده‌اند و از سوی دیگر نهضت‌های استقلال‌خواهانه آنها که با رهبری سیمون بولیوار به ثمر رسید، به ورطه دیکتاتوری‌های نظامی وابسته به آمریکا افتاد (مرادی فر، ۱۳۸۷: ۴۴۵). فضای دو

قطبی جنگ سرد نیز با محدودیت‌های خاص خود مانع از نقش‌آفرینی فعال این کشورها در قالب هویت لاتینی آنها گردیده بود.

روابط سیاسی ایران و آمریکای لاتین تا پیش از پایان جنگ سرد، همواره تابع نحوه تعامل ایران با نظام جهانی و وجه بین‌المللی آن بوده است. در پیش از انقلاب، ایران و کشورهای منطقه به‌عنوان متحدین آمریکا در استراتژی کمونیست‌ستیزی ایالات متحده قرار داشتند و بنابراین از روابط نزدیکی با یکدیگر برخوردار بودند. اما پس از انقلاب و خروج ایران از جرگه متحدین غرب علیه شوروی سابق، روابط آمریکای لاتین با جمهوری اسلامی دستخوش تغییر گردید. در پی بحران تسخیر سفارت آمریکا در ایران و قطع روابط میان دو کشور، تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین نظیر شیلی و مکزیک، به تبعیت از آمریکا سفارتخانه‌های خود را تعطیل کردند و برخی دیگر نیز سفارتخانه‌های خود را به حالت غیرفعال در آوردند (ضیایی، ۱۳۸۷: ۴۶۸-۴۷۰). اما به تدریج تحولاتی در ساختار نظام بین‌الملل و منطقه آمریکای لاتین رخ داد که بسترهای مناسب برای بسط روابط ایران با کشورهای مزبور را فراهم آورد.

فروپاشی نظام دوقطبی سرآغاز جدیدی در روابط میان ایران و کشورهای مزبور بود. در این زمان محدودیت‌های دوران جنگ سرد برای گسترش روابط از میان رفت و سبب شد کشورهای آمریکای لاتین به حوزه‌های خارج از محیط سنتی خود (آمریکا و اروپا) توجه بیشتری نشان داده و از این رو زمینه اولیه برای گسترش روابط ایران و کشورهای منطقه آمریکای لاتین فراهم شد.

گام مساعد بعدی روی کار آمدن دولت‌های مستقل چپ‌گرا و شکل‌گیری حکومت‌های مبتنی بر آراء مردمی و طبقات محروم در این منطقه است. این روند با پیروزی هوگو چاوز در انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا در سال ۱۹۹۸ آغاز شد و در ادامه با روی کار آمدن لولا در برزیل، واسکز در اوروگوئه، کریشتر در آرژانتین، مورالس در بولیوی، کوره آ در اکوادور و دانیل اورتگا در نیکاراگوئه تداوم یافت.

مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست خارجی جدید کشورهای آمریکای لاتین عبارت است از:

- تلاش برای به دست آوردن نقش مستقل در سیاست‌گذاری و خروج از فشار عوامل خارجی،

- تلاش برای اثرگذاری مؤثرتر در صحنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی،
- تلاش برای به دست آوردن جایگاه مناسب در تجارت جهانی،
- تقویت پیوندهای دوستی و تحکیم روابط با کشورهای خارج از حوزه سنتی آمریکا و اروپا،
- ایجاد همگرایی و مطرح شدن آمریکای لاتین در نظام بین‌المللی به‌عنوان یک زیر سیستم،
- تضمین رشد و جهش اقتصادی (ضیایی، ۱۳۸۵: ۲۵).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود بسیاری از مؤلفه‌های سیاست خارجی کشورهای منطقه آمریکای لاتین با مؤلفه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همخوانی و مطابقت دارد. در نتیجه این زمینه‌های مساعد و همسویی‌ها، منطقه آمریکای لاتین مورد توجه ویژه سیاست خارجی دولت نهم قرار گرفته است. در خصوص اهداف و دلایل دولت نهم در بسط روابط خود با این کشورها به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

نخست. کشورهای مزبور از استعداد دگرگون ساختن نظام بین‌الملل برخوردار می‌باشند و این امر همواره یکی از اهداف سیاست خارجی ایران پس از انقلاب خصوصاً در دولت نهم بوده است. پیگیری این هدف در منطقه مزبور این ثمره ویژه را دارد که نه تنها نظام تک‌قطبی به نظام چندقطبی تبدیل می‌شود، بلکه مهمتر از آن، تشکیل یک قطب در میان کشورهای جنوب خواهد بود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۲). برزیل که به تنهایی از پتانسیل‌های خوب جغرافیایی و اقتصادی برخوردار است، به آرامی به سمت اقتدار به پیش می‌رود و اتحاد آن با آرژانتین و سایر کشورها منطقه می‌تواند آن را به یک قطب تبدیل کند. این کشور همچنین داعیه عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل را دارد که به استثنای چند کشور، باقی کشورهای آمریکای لاتین از آن حمایت می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

دوم. گرایش‌های ضد آمریکایی؛ برخی از دولت‌های منطقه آمریکای لاتین نظیر ونزوئلا، کوبا، نیکاراگوئه و بولیوی در این خصوص شاخص هستند. دولت نهم در راستای نقش ملی «سلطه‌ستیزی» خود در مقابل کشورهای اروپایی و آمریکایی، منافع خود را در ائتلاف‌سازی ضد هژمونیک با مشارکت کشورهای مزبور می‌یابد. از آنجا که در میان این کشورها بیشترین سطح همکاری و سفرهای دیپلماتیک متقابل با ونزوئلا صورت گرفته

است، لذا به نظر می‌رسد سنگ‌بنای سیاست خارجی دولت نهم در آمریکای لاتین، این کشور باشد که از تأثیرگذاری ویژه در میان کشورهای منطقه و درآمدهای خوب نفتی برخوردار است (صانعی، ۱۳۸۸: ۲۶۴). علاوه بر این موارد موضع‌گیری‌های شاخص چاوز علیه ایالات متحده با مواضع جمهوری اسلامی بسیار هماهنگ است. وی در دیدار جولای ۲۰۰۶ خود از ایران، در دانشگاه تهران گفت که «ما باید بشریت را نجات دهیم و به امپراتوری آمریکا پایان دهیم» (روبین، ۱۳۸۷: ۱۵۵). احمدی نژاد نیز در همین راستا افزود که «مردم ایران و ونزوئلا شانه به شانه علی‌رغم مخالفت امپریالیسم جهانی کنار ملل محروم جهان خواهند بود» (روبین، ۱۳۸۷: ۱۵۶).

سوم. استفاده از پتانسیل‌های سیاسی کشورهای منطقه برای کسب حمایت در مجامع بین‌المللی و بهره‌برداری از قدرت مجموعه‌ای و انفرادی آنها برای حل مسائل بین‌المللی ایران از جمله حقوق بشر و پرونده هسته‌ای دیگر انگیزه ایران است. کشورهای مزبور همواره در بیانیه‌ها و موضع‌گیری‌های خود بر حق بهره‌برداری صلح‌آمیز ایران از انرژی هسته‌ای تأکید نموده‌اند. به‌عنوان نمونه زمانی که جورج بوش در کنفرانس مطبوعاتی خود با رئیس‌جمهور برزیل سعی داشت این کشور را از توسعه روابط با ایران بازدارد، «لولا» به‌طور رسمی ضمن حمایت از حق ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز، اعلام کرد که روابط ایران و برزیل موضوعی دوجانبه است. علاوه بر این جمهوری اسلامی می‌تواند با گسترش روابط خود با کشورهای مزبور از تلاش‌های ایالات متحده و کشورهای غربی جهت منزوی ساختن ایران در حوزه سیاسی و دیپلماتیک جلوگیری نماید.

چهارم. ایران در پی ایجاد توازن علیه حضور ایالات متحده در منطقه خلیج فارس، آسیای مرکزی، عراق و افغانستان از طریق حضور در آمریکای لاتین، به‌عنوان حیات خلوت آمریکاست. در دوره‌های گذشته این تئوری که آمریکای لاتین در واقع حیات خلوت آمریکاست، عملاً بر سیاست خارجی کشورمان در قبال کشورهای آمریکای لاتین سایه افکنده بود. اما دولت نهم در راستای دیپلماسی فعال و تهاجمی خود در تلاش است آمریکای لاتین را عمق استراتژیک خود قرار داده و بدین طریق به تعدیل رفتار آمریکا

پبردازد (صانعی، ۱۳۸۸: ۲۶۳). لذا مقامات ایالات متحده آمریکا و رژیم اشغالگر قدس بارها نسبت به حضور قوی دیپلماتیک و توسعه روابط سیاسی و اقتصادی ایران با کشورهای منطقه به دولت‌های این منطقه هشدار و اخطار داده‌اند.^۷

پنجم. دیگر هدف سیاست خارجی دولت نهم از گرایش به امریکای لاتین بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های اقتصادی این منطقه برای تأمین مقاصد توسعه‌ای خود است. ایران می‌تواند برای پیشرفت‌ها و فناوری‌های هسته‌ای، نانو تکنولوژی، خودروسازی، صنایع سدسازی، پل‌سازی، جاده‌سازی، صنایع دستی و غیره خود بازارهای مناسبی در بولیوی، ونزوئلا، اکوادور، نیکاراگوئه و دیگر کشورهای منطقه پیدا کند. از سوی دیگر ایران و ونزوئلا از بنیانگذاران اوپک محسوب می‌شوند که می‌توانند با هماهنگی و همکاری یکدیگر نقش تعدیل‌کننده‌ای را در برابر برخی دیگر از اعضای نظیر عربستان و کویت در سیاست‌های نفتی این سازمان داشته باشند.

ظرفیت روابط اقتصادی ایران و کشورهای آمریکای لاتین صرفاً به روابط دوجانبه محدود نمی‌شود. ایران به‌عنوان عضو مهمی از پیمان منطقه‌ای اکو می‌تواند زمینه‌ساز روابط آن با پیمان منطقه‌ای مرکوسور در آمریکای لاتین باشد که بعد از «نفتا»^۸ و اتحادیه اروپایی سومین بلوک تجاری جهان محسوب می‌شود.^۹ بالتبع موقعیت ایران به‌عنوان دروازه ورود به آسیای میانه و قفقاز می‌تواند مسیر مناسبی برای ترانزیت کالاهای این منطقه به کشورهای شمال از طریق خلیج فارس باشد (ضیایی، ۱۳۸۵: ۲۵).

بنابراین گسترش روابط با کشورهای آمریکای لاتین به‌طور جدی در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دولت نهم قرار گرفت. سفرهای احمدی نژاد به کشورهای ونزوئلا (سه مرتبه)، کوبا، نیکاراگوئه، بولیوی و اکوادور و همچنین سفرهای وزیر امور خارجه، کشاورزی، بازرگانی و صنایع به ونزوئلا، کوبا و نیکاراگوئه در این راستا ارزیابی می‌شود. همچنین سفارتخانه‌های ایران در در بولیوی (اسفند ۱۳۸۷)، نیکاراگوئه و اکوادور (تابستان ۱۳۸۷) شروع به کار کرد و تلاش‌هایی برای خارج کردن روابط ایران و آرژانتین از وضعیت موجود به عمل آمد. لازم به ذکر است گسترش این روابط صرفاً به قوه مجریه محصور نمی‌شود و شاهد سفر رئیس مجلس شورای اسلامی و

رئیس سازمان صدا و سیما به کشورهای منطقه نیز هستیم. متقابلاً نیز سفرهای مکرری از سوی مقامات کشورهای آمریکای لاتین به ایران صورت گرفته است. هوگو چاوز، رئیس جمهور ونزوئلا (سه مرتبه)؛ کوره آ، رئیس جمهور اکوادور (دو مرتبه)؛ دانیل اورتگا، رئیس جمهور نیکاراگوئه (یک مرتبه)؛ مورالس، رئیس جمهور بولیوی (یک مرتبه). هیئت‌های پارلمانی و وزاری امور خارجه کشورهای مزبور نیز سفرهای متعددی در راستای همکاری‌های مشترک به ایران داشته‌اند (صانعی، ۱۳۸۸: ۲۶۵).

در حوزه اقتصادی نیز فعالیت‌های مختلفی به عمل آمده است. تأسیس دفترهای تجاری در شهرهای مهم منطقه آمریکای لاتین نظیر سانپائوو و پاناما، ایجاد اتاق بازرگانی ایران و آمریکای لاتین در وزارت صنایع و معادن ایران، برقراری خط هوایی مستقیم باری و مسافری (تهران - کاراکاس)، تأسیس شرکت مشترک برای اجرای پروژه‌های نفتی، تأسیس شرکت مشترک پتروشیمی، تأسیس بانک مشترک با ونزوئلا، تلاش برای راه‌اندازی خط مشترک کشتیرانی میان تهران، کوبا و ونزوئلا، پروژه‌های آبرسانی و تولید مسکن در کوبا و ونزوئلا، سرمایه‌گذاری شرکت پترو در صنایع نفتی ایران، خرید بنزین از ونزوئلا به منظور متنوع‌سازی منابع وارداتی در مقابل تحریم‌ها، عضویت ناظر در پیمان آلبا، عضویت در بانک جنوب و غیره از مهم‌ترین دستاوردهای اقتصادی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و کشورهای آمریکای لاتین در این دوره است (بینام، ۱۳۸۷: ۸-۱۰).

در کنار همکاری‌های سیاسی و اقتصادی می‌توان به افتتاح دفتر صدا و سیما در کاراکاس^۱ و پخش برنامه‌های ایرانی برای کل آمریکای لاتین، و ایجاد کرسی زبان فارسی در ونزوئلا، کلمبیا و تقویت کرسی زبان فارسی در برزیل اشاره کرد.^{۱۱} همچنین گزارش‌هایی درباره گرویدن گروه‌هایی از مردم و قبایل ونزوئلایی به اسلام و مذهب تشیع وجود دارد (روبین، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

۲-۲- نگاه به شرق

در راستای بازنگری و متوازن‌سازی روابط با کشورهای غربی، نگاه به کشورهای شرقی در قاره آسیا نمود بارزی در سیاست خارجی دولت نهم یافته است. در خصوص اهداف

سیاست خارجی دولت نهم در بسط روابط خود با کشورهای شرقی روسیه، چین، هند، ژاپن و غیره نظرات مختلفی ارائه شده است. در حوزه استراتژیک دو هدف عمده برای دولت نهم در نظر گرفته می‌شود: نخست، ائتلاف‌سازی در جهت تقابل با نظام تک‌قطبی؛ از این منظر ایران در تلاش است با بهره‌گیری از تمایل کشورهای چین و روسیه به ایجاد موازنه در نظام بین‌الملل، در راستای تقابل با نظام تک‌قطبی و رویکرد یکجانبه‌گرایی آمریکا در نظام بین‌الملل بهره‌گیرد. دوم، تلاش برای یافتن متحدی استراتژیک جهت حل معضلات امنیتی خود؛ از این رو ایران می‌کوشد مشکلات خود نظیر طرح پرونده هسته‌ای در شورای امنیت سازمان ملل، تهدیدات نظامی آمریکا و... را با بهره‌گیری از قدرت و ظرفیت‌های کشورهای آسیایی مرتفع سازد.

در حوزه اهداف غیراستراتژیک به منافع اقتصادی، تجاری و تکنولوژیک برای ایران اشاره می‌شود. لذا ایران با وضعیت خاص خود در مخالفت با سیاست‌های آمریکا نباید انتظار روابط استراتژیک با کشورهای بزرگ آسیایی را داشته باشد. بلکه در حوزه غیراستراتژیک به‌ویژه اقتصادی، مزیت ویژه ایران در حوزه انرژی می‌تواند محرک خوبی برای کشورهای آسیایی که نیاز رو به تزایدی در حوزه انرژی دارند، باشد. در مقابل تأمین انرژی کشورهای بزرگی نظیر چین و هند، جمهوری اسلامی می‌تواند نیاز خود برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفت و گاز، فناوری و بازارهای منطقه‌ای را فراهم سازد (ثقفی عامری و احدی، ۱۳۸۷: ۶۵-۷۲).

در رویکرد نگاه به شرق دولت نهم، چین به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت از جایگاه منحصربه‌فردی برخوردار بوده است. بدون شک، سوابق تاریخی چین که به دور از روحیه استعمارگری بوده و تجربیات آن از نفوذ و تجاوزات انگلیسی‌ها، ژاپنی‌ها و روس‌ها سبب شده که این کشور برای دولتمردان نهم قابل اطمینان‌تر از غربی‌ها محسوب شود. علاوه بر این زمینه‌های مساعدی دیگری برای بسط روابط با این کشور در نظر گرفته می‌شود:

- استراتژی‌های بین‌المللی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر و مخالفت چین با یکجانبه‌گرایی آمریکا،
- حضور نظامی آمریکا و ناتو در آسیای مرکزی و خاورمیانه،

- فعالیت‌های اسلام‌گرایان تندرو و جدایی طلب در مناطق شرقی و شمال شرقی چین،
- نیاز فراینده چین به انرژی به گونه‌ای که این کشور دومین مصرف‌کننده نفت دنیا بعد از ایالات متحده محسوب می‌شود (قهرمانپور، ۱۳۸۷: ۳۳۷).

جمهوری اسلامی ایران نیز در مقابل ظرفیت‌های خوبی برای طرف چینی جهت بسط روابط دارد:

- ایران همواره با سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا در سطح جهانی مخالفت نموده است.
- ایدئولوژی اسلامی آن می‌تواند تعدیل‌کننده مواضع افراط‌گرایان تندرو در چین باشد.
- جمعیت بیش از هفتاد میلیونی ایران بازار مصرف خوبی برای تولیدات چینی می‌باشد.
- به‌عنوان تنها کشور مستقل و دورمانده از نفوذ ایالات متحده در حوزه انرژی که از موقعیت جغرافیایی مهمی در میان محورهای تولید انرژی در کشورهای شمالی خود و منطقه خاورمیانه در جنوب برخوردار است.

روند روابط اقتصادی ایران با چین در سال‌های اخیر به‌طور متوسط سالانه بین ۳۰ تا ۵۰ درصد رشد داشته^{۱۲} به گونه‌ای که حجم مناسبات تجاری ایران و چین در پایان سال ۲۰۰۹ میلادی به حدود ۲۳ میلیارد دلار رسید و اکنون چین به بزرگترین شریک تجاری جمهوری اسلامی در منطقه آسیا و یکی از بزرگترین شرکای تجاری آن در سطح جهانی تبدیل شده است.^{۱۳}

گرچه روابط ایران و چین در حوزه‌های انرژی و تجارت افزایش یافته است، اما به نظر می‌رسد به دلیل فاصله‌گیری چین از سیاست‌های ایدئولوژیک در سه دهه اخیر و گرایش به عملگرایی بر مبنای کسب حداکثر سود اقتصادی، این کشور نمی‌تواند متحدی استراتژیک برای ایران خصوصاً در پرونده هسته‌ای آن باشد. این کشور دارای حجم قابل توجهی از روابط اقتصادی خارجی با ژاپن، اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکاست، لذا در روابط با جمهوری اسلامی همواره ملاحظات اساسی کشورهای غربی نسبت به ایران را مدنظر قرار می‌دهد (قهرمانپور، ۱۳۸۷: ۲۹۱).

همان‌گونه که دیده می‌شود، زمینه‌های تقابل و تضاد منافع چین در برابر آمریکا محرک گسترش روابط با این کشور در سیاست خارجی دولت نهم شده است به گونه‌ای

که دولتمردان نهم درصددند از این زمینه‌ها در راستای منافع برساخته از هنجار «سلطه‌ستیزی» خود بهره گیرند.

روسیه دیگر کشور مهم در قاره آسیا و دارای کرسی دائم در شورای امنیت سازمان ملل است که روابط با آن نیز در دوره دولت نهم گسترش یافت. این کشور نیز به مانند چین مخالف سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا خصوصاً پس از ۱۱ سپتامبر است و از گسترش نفوذ این کشور به همراه ناتو به حوزه سنتی نفوذ خود در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نگران است.

در مقابل جمهوری اسلامی ایران نیز دارای ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه‌ای است که مورد توجه مقامات روسی است. مخالفت ایران با هژمونی ایالات متحده در نظام بین‌الملل، حمایت ایران از سیاست‌های روسیه و یا حداقل عدم مخالفت با سیاست‌های آن در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، تعامل در خصوص نظام حقوقی دریای خزر، همکاری‌های هسته‌ای و دیگر فناوری‌های پیشرفته (با توجه به تحریم‌های غرب)، احداث شاهراه شمال - جنوب جهت دست یافتن روسیه به خلیج فارس، گسترش بنیادگرایی مذهبی در چین و غیره.

یکی از زمینه‌های مهم همکاری جمهوری اسلامی ایران با روسیه در حوزه هسته‌ای است و این کشور تنها شریک هسته‌ای ایران می‌باشد. روسیه در سال ۱۳۷۳ تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر را که با پیروزی انقلاب اسلامی با انصراف طرف آلمانی مواجه شده بود، برعهده گرفت که راه‌اندازی آن بارها به دلیل فشارهای سیاسی آمریکا و دیگر کشورهای غربی به تأخیر افتاد (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷ الف: ۵۴). بالاخره این کشور در بهمن ماه ۱۳۸۶ حمل سوخت هسته‌ای به نیروگاه بوشهر را نهایی نمود.

تشکیل اوپک گازی در دسامبر ۲۰۰۸ دیگر رخداد مهم در تعاملات ایران و روسیه است. سازمان مذکور با شرکت دیگر کشورهای عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی، ونزوئلا، نیجریه، مصر و الجزایر به منظور هماهنگی در تولید و کنترل قیمت‌ها در بازارهای جهانی شکل گرفت.^{۱۴} تشکیل این سازمان که بیش از ۷۲ درصد ذخایر گازی و ۴۲ درصد تولید کنونی گاز جهان را در اختیار دارد با مخالفت شدید ایالات متحده و اتحادیه اروپایی مواجه شد.^{۱۵}

دیگر رخداد مهم در تعاملات دو کشور، حضور ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه برای شرکت در دومین نشست کشورهای حاشیه دریای خزر در تهران به تاریخ ۲۴ مهر ماه ۱۳۸۶ بود که علی‌رغم تلاش کشورهای غربی برای معرفی ایران به‌عنوان کشوری منزوی در عرصه بین‌الملل صورت پذیرفت. در این زمان کشورهای غربی پس از صدور سه قطعنامه در شورای امنیت، در تلاش برای تصویب دور جدیدی از تحریم‌ها علیه ایران بودند.^{۱۶}

۲-۳- گسترش روابط با کشورهای آفریقایی

با آغاز به کار دولت نهم گسترش روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و توجه بیش از پیش به مناسبات همه‌جانبه با کشورهای آفریقایی از مهم‌ترین رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. این قاره متشکل از ۵۴ کشور است و از ظرفیت‌های خوبی برای تعاملات اقتصادی - سیاسی برخوردار است. تجربه استعمار، وجود احساسات ضد استکباری و مسلمان بودن نیمی از جمعیت کشورهای قاره آفریقا زمینه‌های مساعدی برای اشتراک دیدگاه در خصوص مسائل جهانی می‌باشد؛ همچنین ۳۰ کشور آفریقایی در اکثر سازمان کنفرانس اسلامی و نزدیک به قریب آنها در جنبش عدم تعهد عضو می‌باشند که برنامه‌ریزی هوشمندانه برای جلب اعضای آفریقایی عدم تعهد می‌تواند به فعال‌سازی بیشتر جنبش در مسیر مورد نظر جمهوری اسلامی یاری رساند. کشورهای مزبور همچنین می‌توانند در مسئله هسته‌ای و مباحث حقوق بشری از دیدگاه‌های ایران در مجامع بین‌المللی حمایت نمایند.

در این راستا احمدی نژاد، رئیس جمهور در سال ۱۳۸۵ به بانجول پایتخت گامبیا سفر کرد و به‌عنوان میهمان ویژه در هشتمین اجلاس سران اتحادیه آفریقا شرکت نمود. صرف‌نظر از دیگر سفر وی به داکار (اسفندماه ۱۳۸۶) جهت شرکت در اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی، احمدی نژاد بار دیگر در سال ۱۳۸۷ دیدار رسمی را از سه کشور آفریقایی کنیا، جیبوتی و کومور ترتیب داد. همچنین به منظور نهادینه‌سازی مناسبات جمهوری اسلامی با کشورهای آفریقایی و ارتقاء سطح همکاری‌ها، معاونت آفریقا در وزارت امور خارجه تشکیل و متعاقباً دو سفارتخانه ایران در کشورهای گامبیا^{۱۷} و گابن

افتتاح گردید. دولت نهم همچنین اقداماتی را برای برگزاری اجلاس سران ایران و آفریقا در تهران به عمل آورده و برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت راهبردی را برای توسعه روابط با آفریقا در نظر گرفته است.

برگزاری ۲۹ مورد کمیسیون مشترک اقتصادی - سیاسی، اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی، ایجاد خطوط مونتاژ اتومبیل و تراکتورسازی در سنگال و اوگاندا، افتتاح چند سفارتخانه جدید آفریقایی در تهران، افتتاح کمیته امداد امام خمینی (ره)، افتتاح پنج باب درمانگاه هلال احمر، اعطای بورسیه به دانشجویان نخبه آفریقایی و... از جمله اقدامات دیگر دولت نهم در قاره آفریقا است.^{۱۸}

۳- چندجانبه گرایی

یکی از تحولات مهمی که با پایان جنگ سرد رخ داده است، افزایش اهمیت سطح منطقه‌ای و به دنبال آن قدرتها و هژمون‌های منطقه‌ای است. در دوران جنگ سرد آمریکا و شوروی چندان نگران سطح منطقه‌ای نبودند و بیشتر مسائل در سطح بین‌المللی حل و فصل می‌شد. اما با پایان جنگ سرد و افول جبهه‌بندی سیاسی بلوک شرق و غرب بسیاری از قدرتهای منطقه‌ای توانستند فارغ از فشار دو ابرقدرت اهدافی را در سطح منطقه‌ای در نظر بگیرند (قهرمانپور، ۱۳۸۷: ۸۱). جمهوری اسلامی نیز در این راستا در کنار روابط دو جانبه در سیاست خارجی دولت نهم با برخی کشورهای آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا، چندجانبه گرایی را به مثابه تاکتیکی در سیاست خراجیه تعریف کرده است. در این راستا دولت با دو نگرش کلی سیاسی و اقتصادی وارد سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای گردید و تلاش نمود از ظرفیت‌های آنان در راستای پیشبرد منافع بر ساخته از نقش ملی سلطه‌ستیزی خود بهره گیرد. در برخی سازمان‌ها نظیر جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی اولویت با نگاه سیاسی برای تحقق منافی نظیر احقاق حقوق هسته‌ای و اصلاحات در ساختار سازمان ملل بوده و در برخی دیگر صبغه اقتصادی در واکنش به طولانی شدن روند عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی و پیوند آن با مسائل سیاسی^{۱۹} اولویت داشته است.

۳-۱- جنبش عدم تعهد

یکی از حوزه‌های که در راستای بازتعریف روابط سیاست خارجی دولت نهم با غرب مورد توجه قرار گرفت، کشورهای جهان سوم و در حال توسعه جنوب است که جنبش عدم تعهد آنان را نمایندگی می‌کند. این جنبش ظرفیت‌های بالقوه‌ای دارد که جمهوری اسلامی می‌تواند با بهره‌گیری از آنها منافع ملی خود را تأمین نماید؛ اولاً، ۱۱۸ کشور جهان در آن عضویت دارند که نزدیک به دو سوم اعضای سازمان ملل است؛ ثانیاً، اصول بنیادین جنبش عدم تعهد نظیر برابری تمام ملتها اعم از بزرگ و کوچک، احترام به عدالت بین‌المللی و... (عبدالرشیدی، ۱۳۶۵: ۲۶) متناظر با اهداف سیاست خارجی دولت نهم است. متکی وزیر امور خارجه در این خصوص معتقد است:

«عدالت‌طلبی، صلح‌جویی و کمک به ستمدیدگان یک سنت حسنه است که در باطن ایران و ایرانی جای گرفته است. از این رو جنبش عدم تعهد که همین اصول را در بطن خود جای داده است در نظر جمهوری اسلامی ایران از ارج و قرب والایی برخوردار است و ما به جنبش عدم تعهد به‌عنوان یک حرکت جهانی ملت‌های آزاده جهان برای نیل به صلح، عدالت، آزادی و استقلال و پرهیز از خشونت، جنگ، خودکامگی و یکجانبه‌گرایی نگاه می‌کنیم» (احمدی‌نژاد ۱۳۸۵/۶/۲۴).

لذا سیاستگذاران خارجی نهم برای پویایی جنبش عدم تعهد، تلاش‌های فراوانی نمودند تا به اهداف ذیل نایل شوند:

نخست. مقابله با نظم بین‌المللی مستقر که تحت هژمونی و سلطه ایالات متحده می‌باشد؛ دولت نهم همواره خواهان نقش فعالتر جنبش در مقابله با سیاست‌های سلطه‌طلبانه و یکجانبه‌گرایانه آمریکا و شکل‌دهی به مناسبات جهانی بر مبنای عدالت و ارزش‌های انسانی بوده است. در کنار این هدف بلندمدت، دولت نهم در کوتاه مدت بر ضرورت اختصاص یک کرسی دائم شورای امنیت به غیر متعهدها، همراه با حق وتو تأکید داشته است.^{۲۰} همچنین جمهوری اسلامی می‌تواند با کسب حمایت‌های اعضای این جنبش برای رسیدن به کرسی غیردائم شورای امنیت امیدوار باشد که یکبار نیز در اکتبر ۲۰۰۸ به رقابت

با ژاپن در این خصوص پرداخت. احمدی نژاد در چهاردهمین اجلاس سران عدم تعهد در کوبا تفسیر خود از جایگاه جنبش را چنین بیان می‌کند:

«هر جا نگاه کنیم، حجم وسیعی از نابسامانی‌ها و گرفتاری‌ها را می‌بینیم که به‌نحوی به قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا بر می‌گردد. به قدرت‌هایی که شورای امنیت را پایگاه اعمال قدرت و تهدید خود قرار داده‌اند و آن را از اجرای عدالت و صلح پایدار و وظایف اصلی خود که حفظ و گسترش صلح است خارج کرده‌اند... رویدادهای فوق... دلیلی بر لزوم تداوم و تقویت جنبش غیرمتعهدهاست. این جنبش باید نقش واقعی خود را بیش از پیش باز یابد. جنبش غیرمتعهدها می‌تواند با برخورداری از اکثریت اعضای جامعه جهانی نسبت به تصحیح روندهای یکجانبه‌گرایانه و تبعیض‌آلود موجود، نقش اساسی ایفا نماید. جنبش غیرمتعهدها می‌تواند خواستار تصحیح ترکیب شورای امنیت به‌عنوان اصلی‌ترین چالش صلح و امنیت در جهان باشد. اگر این شورا اصلاح شود امید آن است که با اعمال عدالت، آرامش و صلح جهانی پایدار شود.»^{۲۱}

دوم. جمهوری اسلامی ایران در جنبش عدم تعهد در پی تأمین منافع اقتصادی و تجاریست. این مهم با توجه به رویگردانی دولت نهم از کشورهای غربی ضرورت بیشتری می‌یابد. دولت نهم با بسط روابط اقتصادی خود با کشورهای عضو جنبش، از یک سو می‌تواند برخی از نیازمندی‌های خود را تأمین کند و از سوی دیگر بازارهای خوبی در میان کشورهای ضعیف آفریقایی و آسیایی برای نفت، گاز و صنایع جدید خود فراهم آورد. علاوه بر این پیوند اقتصادی ایران با این کشورها می‌تواند امنیت اقتصادی آن را افزایش دهد. از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی دولت نهم در تعامل با جنبش عدم تعهد، استفاده از ظرفیت‌های آن در پرونده هسته‌ای بوده است. در پی بن‌بست حاصل از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل و صدور قطعنامه‌های مکرر مبنی بر تحریم ایران، جمهوری اسلامی تلاش نمود از نقش تعدیل‌کننده این کشورها بهره‌گیری کند. کشورهای غربی همواره در تلاش بودند نگرانی‌های خود در خصوص پرونده هسته‌ای ایران را در قالب نگرانی‌های جامعه جهانی جلوه دهند. لذا دولت نهم با بهره‌گیری از ظرفیت جنبش

عدم تعهد می‌توانست از شکل‌گیری اجماع علیه خود جلوگیری نموده، تهدیدات کشورهای مزبور را غیرمشروع سازد و قدرت چانه‌زنی خود در مذاکرات را افزایش دهد. به‌عنوان دستاوردهای دیپلماتیک ایران در جنبش عدم تعهد می‌توان به بیانیه‌های مشترک وزرای امور خارجه تروئیکای عدم تعهد در نوامبر ۲۰۰۵ در تهران و ۲۰۰۶ در آفریقای جنوبی، بیانیه وزرای امور خارجه جنبش در مه ۲۰۰۶ در مالزی، بیانیه سران کشورهای جنبش عدم تعهد در سپتامبر ۲۰۰۶ در کوبا اشاره کرد. مهم‌ترین مفاد بیانیه‌های فوق عبارتند از:

- تأکید بر خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه.
- تأکید بر حقوق لاینفک تمامی دولت‌ها برای بهره‌گیری از انرژی اتمی به‌منظور مقاصد صلح‌آمیز بدون هیچ‌گونه تبعیض.
- تأکید بر اینکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تنها مقام صالح برای راستی‌آزمایی تعهدات پادمانی دولت‌های عضو می‌باشد.
- تأکید بر اینکه اقدامات اعتمادساز داوطلبانه ایران تعهدات قانونی نیست.
- تأکید بر ایجاد منطقه خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای.
- درخواست از اسرائیل برای الحاق فوری به NPT و قرار دادن تأسیسات هسته‌ای خود تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.
- محکومیت هر گونه حمله یا تهدید به حمله علیه تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای.
- تأکید بر اینکه مسئله هسته‌ای ایران باید در چارچوب آژانس بین‌المللی و مبتنی بر مبانی فنی و حقوقی حل شود.
- از سرگیری مذاکرات با ایران بدون هیچ‌گونه پیش‌شرط.^{۲۲}

علاوه بر نقش فعال ایران در تنظیم سند نهایی اجلاس‌های فوق، دولت نهم توانست پانزدهمین اجلاس وزرای جنبش عدم تعهد را در مرداد ۱۳۸۷ در تهران با شعار اصلی «همبستگی برای صلح و عدالت» برگزار کند. در این نشست وزرای امور خارجه و نمایندگان ۹۸ کشور عضو، ۱۲ کشور ناظر و ۷ سازمان ناظر شرکت داشتند (مجموعاً ۱۲۷ هیئت).^{۳۳} این در حالی بود که کشورهای غربی در تلاش بودند کشورهای عضو جنبش را مجاب نموده تا در

اجلاس حضور نداشته باشند. بیانیه پایانی این اجلاس نیز در خصوص برنامه هسته‌ای ایران بر حق صلح‌آمیز جمهوری اسلامی در استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای، نقش انحصاری آرژانس بین‌المللی انرژی اتمی در راستی آزمایشی تعهدات ایران، تحقق خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای و گفتگوهای بدون پیش‌شرط تأکید می‌کند.^{۲۴}

علاوه بر این موارد دولت نهم نامزدی خود را برای کسب ریاست بعدی جنبش عدم تعهد در اجلاس سران جنبش در مصر مطرح کرده که در صورت تحقق آن، فرصت مناسبی برای پیشبرد جنبش در راستای سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران فراهم خواهد شد.^{۲۵}

همچنین دولت نهم توانست اجلاس وزرای جنبش عدم تعهد در خصوص موضوع حقوق بشر و تنوع فرهنگی را در شهریورماه ۱۳۸۶ با حضور بیش از هشتاد وزیر امور خارجه و وزیر فرهنگ کشورهای عضو در تهران برگزار نماید. در این اجلاس، تأسیس «مرکز حقوق بشر و تنوع فرهنگی» در ایران تصویب شد. هدف اصلی از برگزاری این اجلاس، مقابله با یکسان‌سازی فرهنگی و حقوق بشری با بهره‌گیری از ظرفیت کشورهای عضو جنبش بوده است.^{۲۶}

۳-۲- سازمان کنفرانس اسلامی^{۲۷}

سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۳۴۸ و در واکنش به آتش‌سوزی مسجد الاقصی و با هدف انسجام بخشیدن به فعالیت‌های بین‌المللی دولت‌های اسلامی، همکاری در جهت تأمین منافع مشترک و همچنین حمایت از حقوق اقلیت‌های مسلمان در دولت‌های غیر عضو این سازمان تأسیس شد. این سازمان ظرفیت‌های فراوانی دارد؛ از جمله هویت مشترک اسلامی کشورهای عضو و برخورداری از عضویت ۵۷ دولت از چهار قاره جهان و ۱۳ عضو ناظر که سبب شده به لحاظ تعداد، کنفرانس اسلامی پس از سازمان ملل متحد بزرگترین سازمان بین‌المللی محسوب گردد.

لذا سیاست خارجی دولت نهم با توجه به ثقل هویت اسلامی خود از یک سو و عدم گرایش به غرب از سوی دیگر، بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان کنفرانس اسلامی را در جهت تأمین منافع ملی خود و منافع دولت‌های مسلمان در دستور کار قرار داد. لذا احمدی نژاد در سه نشست سازمان در مکه مکرمه (دسامبر ۲۰۰۵، عربستان سعودی)، پورتراجایا

(آگوست ۲۰۰۶، مالزی) و داکار (مارس ۲۰۰۸، سنگال) شرکت کرد و از این فرصت برای طرح ایده‌های خود در خصوص مسائل بین‌المللی و جهان اسلام استفاده نمود. وی اولین بار مسئله هولوکاست را در نشست سران در مکه مطرح کرد و در نشست سنگال نیز بر اهمیت اصلاح شورای امنیت در جهت صلح و امنیت تأکید نمود.^{۲۸} علاوه بر این دولت توانست در زمانی که تحت تأثیر فشارهای بین‌المللی برای انزوای سیاسی خود قرار داشت، دومین نشست وزرای بهداشت کشورهای اسلامی و اولین اجلاس روسای قوه قضائیه دولت‌های مسلمان در تهران را برگزار نماید.

در خصوص مسائل مرتبط با جهان اسلام، جمهوری اسلامی توانست با جلب نظر کمیته اجرایی سازمان، سه نشست فوق‌العاده در سطح سران و دو اجلاس دیگر در سطح وزرای خارجه با هدف بررسی تجاوز رژیم صهیونیستی به اماکن اسلامی شهر قدس، از جمله محوطه مسجدالاقصی و جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه این رژیم علیه حزب‌الله لبنان و حماس را برگزار نماید. علاوه بر این در راستای رویکرد فعالانه و تهاجمی، دولت توانست قطعنامه‌های مهمی را به تصویب سازمان کنفرانس اسلامی برساند. در اجلاس وزرای خارجه سازمان در ژوئن ۲۰۰۸ در کامپالا پایتخت اوگاندا، قطعنامه‌ای در خصوص ضرورت اصلاحات در سازمان ملل به تصویب رسید که ضمن نگرانی از فقدان عدالت در شورای امنیت، خواستار پاسخگویی این شورا به قصورهای مکرر خود در مورد موضوعات جهان اسلام شد. قطعنامه در ادامه با توجه به جمعیت یک‌ونیم میلیاردی مسلمانان جهان خواستار کرسی دائم در شورای امنیت می‌شود^{۲۹} که این امر همواره به‌عنوان حق سازمان کنفرانس اسلامی مورد تأکید جمهوری اسلامی ایران بوده است.

همچنین جمهوری اسلامی توانست در نشست مزبور قطعنامه دیگری را در خصوص موضوع هسته‌ای خود به تصویب برساند که علاوه بر به رسمیت شناختن حقوق ایران در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تأکید بر مذاکرات بدون پیش‌شرط، خواستار ارجاع هر چه سریعتر موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران از شورای امنیت به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌شود.^{۳۰}

۳-۳- سازمان همکاری اقتصادی؛ اکو

سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه با هدف توسعه روابط و بسط همکاری‌ها در سال ۱۹۸۴ با تأسیس سازمان همکاری اقتصادی (اکو) بر بستر سازمان عمران منطقه‌ای، که با پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت آن متوقف شده بود، سنگ‌بنای یک همکاری جدید منطقه‌ای را بنیان نهادند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۱۷۶). در سال ۱۹۹۲ نیز جمهوری‌های آذربایجان، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به آن پیوستند. در سال ۱۹۹۳ نیز افغانستان و قزاقستان به عضویت اکو در آمدند و بدین ترتیب تعداد اعضاء اکو به ده کشور افزایش یافت. سیاست خارجی جمهوری اسلامی، با توجه به عدم استقبال اعراب از همکاری با ایران از یک سو و پیوستن اعضاء جدید حاصل از فروپاشی شوروی به اکو، همواره اهمیت خاصی برای اکو به لحاظ امنیتی و اقتصادی قائل بوده است. کشورهای مزبور به دلیل عدم توازن قومی - نژادی می‌توانند باعث تحریک شکاف‌های قومی - زبانی در مرزهای شمالی ایران شوند. دارا بودن مرز مشترک با شش کشور عضو، دسترسی به دریا، برخورداری از منابع انرژی، موقعیت مناسب برای احداث خطوط انتقال نفت و گاز کشورهای تازه استقلال یافته از جمله مزایای ایران در اکو می‌باشد که بهره‌گیری از آنها می‌تواند تأثیرات مثبتی بر توسعه اقتصادی کشور داشته باشد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۱۸۶-۱۸۷).

گرایش سیاستگذاران خارجی دولت نهم به شرق بر اهمیت ایفای نقش مؤثرتر جمهوری اسلامی افزود. لذا ایران توانست دهمین اجلاس سران اکو را با حضور رؤسای جمهوری پاکستان، ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان، تاجیکستان، افغانستان، نخست وزیر قزاقستان، معاون اول نخست وزیر قرقیزستان و رئیس مجلس سنای ازبکستان در اسفندماه ۱۳۸۷ در تهران برگزار نماید. در کنار مقامات رسمی اعضاء اکو، امیر قطر، رئیس جمهور عراق، معاون رئیس جمهور سوریه، رئیس مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی نیز حضور داشتند که تأثیر فراوانی بر شکست انزوای سیاسی و دیپلماتیک ایران در پی مسئله هسته‌ای داشت.

علاوه بر برگزاری اجلاس مزبور ایران به موفقیت‌های دیگری نیز در اکو دست یافت. بانک تجارت و توسعه اکو پس از ده سال انتظار در تیرماه ۱۳۸۵ راه‌اندازی و دفتر اصلی آن در تهران افتتاح گردید. همچنین موافقتنامه چارچوب حمل و نقل و ترانزیت کالا از خرداد ۱۳۸۵ لازم‌الاجرا شد و موافقتنامه تجاری اکو (اکوتا) نیز در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.^{۳۱}

۳-۴- سازمان شانگ‌های^{۳۲}

سازمان همکاری‌های شانگ‌های سازمانی بین دولتی است که برای همکاری‌های چندجانبه امنیتی در سال ۲۰۰۱ توسط سران کشورهای روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان بنیان گذاشته شد. این سازمان، در حقیقت ترکیب جدید سازمان «شانگ‌های ۵» است که در سال ۱۹۹۶ تأسیس شده بود، ولی نام آن پس از عضویت ازبکستان به «سازمان همکاری‌های شانگ‌های» تغییر داده شد. مغولستان در سال ۲۰۰۴ و ایران، هند و پاکستان در سال ۲۰۰۵ به‌عنوان عضو ناظر به این سازمان پیوستند.

کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری‌های شانگ‌های، روی هم بزرگ‌ترین توان اقتصادی، نظامی، و فضایی جهان را دارا هستند. آن‌ها همچنین بیشترین تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی در جهان می‌باشند. کشورهای عضو (اصلی و ناظر) این سازمان حدود یک چهارم سطح خشکی‌های کره زمین و پنجاه درصد جمعیت دنیا را در اختیار دارند.

در راستای سیاست نگاه به شرق دولت نهم عضویت در سازمان شانگ‌های در سال ۱۳۸۴ در دستور کار قرار گرفت. پس از آن نیز رئیس‌جمهور در تمامی نشست‌های سازمان در سطح سران (۱۳۸۸-۱۳۸۵) شرکت داشته است. ارزیابی‌های متفاوتی از انگیزه‌های ایران برای عضویت در شانگ‌های مطرح می‌شود که متناظر با انگیزه‌های آن درباره گسترش روابط با چین و روسیه می‌باشد. در کنار برخی نگاه‌های اقتصادی، عده‌ای از کارشناسان سازمان شانگ‌های را به‌عنوان عامل موازنه‌ساز در برابر نیروی نظامی ایالات متحده و ناتو به‌شمار آورده و عضویت ایران در آن را نیز از این زاویه می‌نگرند. از این منظر چهار بازیگر اصلی سازمان شانگ‌های یعنی چین، هند، روسیه و ایران می‌توانند با

یکدیگر، سدّی را در برابر توسعه‌طلبی‌های آمریکا در قاره آسیا شکل دهند (محمدی، ۱۳۸۴). رد درخواست عضویت ناظر ایالات متحده در سازمان شانگ‌های، خواست سازمان از آمریکا برای خروج نیروهایش از تمام کشورهای عضو، برگزاری مانورهای مشترک نظامی با حضور کشورهای عضو در تاجیکستان و... در این راستا ارزیابی می‌شود. به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور از این منظر به سازمان مزبور می‌نگرد:

«چنین پیمان‌های منطقه‌ای (شانگ‌های) به خصوص در منطقه آسیا نقش مهمی را در ایجاد صلح و ثبات بر پایه عدالت ایفا می‌کند و می‌تواند در مسائل جهانی نیز نقشی گسترده در ایجاد تعادل داشته باشد» (احمدی‌نژاد ۱۳۸۵/۳/۲۷).

علاوه بر سازمان‌های فوق، دیپلماسی دولت نهم در دیگر سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای در آسیا نظیر دی - هشت، اتحادیه کشورهای حاشیه اقیانوس هند^{۳۳}، گروه ۱۵ و مجمع آسیایی بوآئو^{۳۴} نیز فعال بوده است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد علّت جابجایی اولویت‌های جغرافیایی و عقیدتی در سیاست خارجی دولت نهم از کشورهای اروپایی و ایالات متحده به کشورهای آمریکای لاتین، کشورهای آفریقایی و آسیایی جهت بسط و توسعه روابط سیاسی - اقتصادی مورد مذاکره قرار گیرد. هنجارهای «عدالت‌طلبی» و «سلطه‌ستیزی» به‌عنوان متغیر مستقل بر جهت‌گیری‌ها و اولویت‌گذاری‌های جغرافیایی دولت نهم تأثیر گذار بوده‌اند. دولتمردان نهم از یک‌سو روابط سیاسی و اقتصادی با غرب را منفک از هم و در نتیجه غیرمتوازن و ناعادلانه می‌دانستند و از سوی دیگر ارزیابی آنها از روابط کشورهای اروپایی و آمریکایی با دولت‌های سازندگی و اصلاحات در راستای سلطه‌طلبی دولت‌های غربی ارزیابی می‌شد. لذا دولت نهم درصدد تجدیدنظر در روابط با غرب و توجه به دیگر حوزه‌های جغرافیایی برآمد. از منظر سیاست‌گذاران نهم، مناطق جدید یا در راستای سلطه‌ستیزی فعال بودند و یا حداقل گرایش به سلطه‌طلبی نداشتند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- سخنرانی احمدی نژاد در نهمین همایش سراسری مسئولین و هادیان سیاسی سپاه پاسداران، ۱۳۸۶/۱۱/۳
- ۲- سخنرانی احمدی نژاد در نهمین همایش سراسری مسئولین و هادیان سیاسی سپاه پاسداران، ۱۳۸۶/۱۱/۳
- ۳- مصاحبه با شبکه ماهواره‌ای جام جم - یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۸۶.
- ۴- برنامه دولت نهم در: www.president.ir/fa/government/plan/index.htm
- ۵- برنامه دولت نهم در آدرس ذکر شده در پی‌نوشت شماره ۴.
- ۶- در مجلس شورای اسلامی پیش از بررسی رأی اعتماد به وزیران پیشنهادی، ۱۳۸۴/۵/۳۰.
- 7 - <http://www.asiran.com/fa/news/>
- ۸- پیمان تجارت آزاد میان سه دولت ایالات متحده، مکزیک و کانادا در آمریکای شمالی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی منعقد گردید.
- 9 - <http://www.hamshahrionline.ir/news-52695.aspx>
- 10- <http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100937519568>
- 11- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8705290276>
- 12- <http://www.iccim.ir/fa/index.php/-mainmenu>
- 13- <http://www.china-iran.net/post-98.aspx>
- 14 - <http://fa.wikipedia.org/wiki/>
- 15- <http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=50886>
- 16- <http://www.fardanews.com/fa/news/>
- 17- <http://www.hamshahri.org/news-19653.aspx>
- 18- <http://www.bornanews.ir/vdcbwbs.rhbagpiuur.txt>
- 19- World Trade Organization (WTO)
- ۲۰- سخنرانی در شصت و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد (نیویورک) ۱۳۸۵/۶/۲۹.
- ۲۱- سخنرانی در اجلاس غیر متعهدها (کویا) - جمعه ۲۴ شهریور ۱۳۸۵.
- ۲۲- برای مطالعه متن کامل بیانیه سران و وزرای خارجه کشورهای جنبش عدم تعهد بنگرید به کاظم غنی‌آبادی، پرونده هسته ای ایران به روایت اسناد؛ انتشارات مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی ۱۴۹-۱۴۴.
- 23- <http://www2.irna.com/ar/news/view/line-7/8705083726095341.htm>
- 24- <http://www.iransharghi.com/index.php?newsid=747>
- 25- <http://www.dolat.ir/NSite/FullStory/?id=179409>
- 26 - <http://www.kayhannews.ir/860611/12.htm>
- 27 - OIC
- ۲۸- در اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی در سنگال، ۱۳۸۶/۱۲/۲۳.
- 29- www.oic-oci.org/35cfm/english/res/35-CFM-%20RES-POL-FINAL.pdf
- 30- www.oic-oci.org/35cfm/english/res/35-CFM-%20RES-POL-FINAL.pdf

- 31-http://www.aftab.ir/articles/economy_marketing_business/import_export/c2c1205746431p1.php
32 -Shanghai Cooperation Organization (SCO)
33- Indian Ocean Rim Association for Regional Cooperation
34- BOAO Forum for Asia

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- احمدی، کوروش (۱۳۸۶)، **شورای امنیت و مسئله تجدید ساختار آن**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲- بینام (۱۳۸۷)، **دستاوردهای دولت نهم در روابط خارجی با کشورهای آمریکای لاتین**، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
- ۳- ثقفی عامری، ناصر و احدی، افسانه (۱۳۸۷)، **ایران و سیاست نگاه به شرق**، تهران: پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک.
- ۴- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲)، **روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی**، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۵- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۷)، **سیاست خارجی دولت نهم، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۱۳.
- ۶- روبین، میشل (۱۳۸۷)، **آمال جهانی ایران؛ ترجمه مهدی ملک محمدی، فصلنامه برداشت دوم**، سال پنجم، شماره ۷.
- ۷- سریع القلم، محمود (۱۳۷۹)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۸- صانعی، علیرضا (۱۳۸۸)، **سیاست خارجی دولت نهم در قبال آمریکای لاتین**، در **مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل**، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
- ۹- ضیایی، محمد علی (۱۳۸۷)، **تحلیل نظریات روابط دوجانبه ایران و آمریکای لاتین**، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و دوم، شماره ۲.

- ۱۰- عبدالرشیدی، علی اکبر (۱۳۶۵)، جنبش عدم تعهد از آغاز تا سال ۱۹۸۵، تهران: انتشارات سروش.
- ۱۱- غریب آبادی، کاظم (۱۳۸۶)، پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- ۱۲- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۷)، رویکرد قدرتهای بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۳- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)، «ایران قدرتمندتر از گذشته می‌شود»، گفت‌وگو با منوچهر محمدی، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱.
- ۱۴- مرادی‌فر، علی اصغر (۱۳۸۷)، «گفتمان عدالت و همسوئی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (دولت نهم) با کشورهای آمریکای لاتین»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره ۲.
- ۱۵- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۵)، «روابط جنوب - جنوب»، همشهری دیپلماتیک، دیماه ۱۳۸۵.
- ۱۶- نوری، وحید (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت نهم، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).

- 17- <http://www.hamshahrionline.ir>
 18- <http://www.jamejamonline.ir>
 19- <http://www.farsnews.com>
 20- <http://www.iccim.ir/fa/>
 21- <http://www.china-iran.net>
 22- <http://fa.wikipedia.org/wiki/>
 23- <http://www.fardanews.com/fa/>
 24- <http://www.fardanews.com/fa/>
 25- <http://www.hamshahri.org>
 26- <http://www.bornanews.ir>
 27- <http://www.president.ir/fa/>
 28- <http://www.aftab.ir>